

بجزئی نزدیک تویم بحضرت تو بدان چیزی گفتی
خود را روزگاران و روز خود را شب گفت یار
باشد گفت کردن خواب خود را نماز و طعام خود
در خواب شدم مرا در مندی ^{گفت} انخاب کپی کل شادی
بر خیز خدا کوی شبهای ^{راز} کاندر لحد تک بسی خوبی
هر که گریخ از شمع فانی ^{گفت} و ندر طرب و لذت باقی بقا
اینجا که آن تشنه بود رسید ^{گفت} و آنچه که معهود داشت بود
هر که در کج توکل غرق گشت ^{گفت} همتش از ما سوال کرد در لذت
این توکل کج دارد رنج ^{گفت} فغوص به شکر از بی کنجا
مطلب باید که صبر حکم و احکام الهی بکنند تا جزای آن
خواهد داد بر ای ^{گفت} علی در آخرت بر صابران و شاکران
عطا فرماید لغای خود را که نام نعمت زیاد ازین تواند
ای لغای تو جواب سوال ^{گفت} شکل از تو حاصل شود بی قال

پرده از پیش بر اندازمشنا ^{گفت} لذت دیده هزار دیدار تو
اما قشری رحمت الله علیه فرماید که لذت دیدار فراتر از شناسا
هر چند شوق بیشتر لذت دیدار فرزون تر بود شیخ ذوالنون
مصری رحمت الله فرموده اند که شوق نهمه محبت است
بهر که ادویستی بیشتر شوق او بدیدار او زیاد تر در ذوق
آنوست که یاد او و بعثت من از برای مطلقا نیست
و کفایت من بحبت متوکلان است و زیادت من ^{گفت}
شاکران است و این من مهره طالبان است و در ^{گفت}
من ازان محبت است و مغفرت من ازان طالبان است
و من خالصه و مشتاقانم ^{گفت} الاطال شوق الابرار الی القای
و انا الیهم اشد شوقا ^{گفت} دل از شوق جمال تو نبرد
در درون غرق حالت ^{گفت} در درون شوق تو هر روز فرود
در شوق من ^{گفت} در درون شوق تو هر روز فرود